

روزنه آبی

در حاشیه تاثیر انقلاب‌های عربی روی هنر خاورمیانه و شمال آفریقا

نمایشگاهگردانی در خیابان

پرویز براتی

■ مصر، قلب تپنده فرهنگ و هنر جهان عرب، این روزها با شرایط پیچیده و تازهای مواجه است. خیابان‌های قاهره و اسکندریه بیش از آنکه عرصه آمد و شد هنرمندان و گالری‌داران باشند، به محل تجمع و اعتراض بدل شده‌اند. طبیعتا همانطور که رسانه‌های عرب و غیرعرب گزارش می‌دهند، جریان روزانه و طبیعی هنر در کشورهای عرب دستخوش تغییر شده است. حتی دوازدهمین دوسالانه بین‌المللی قاهره که باید تاواسط فوریه ۲۰۱۱ ادامه می‌یافت، به حالت تعلیق درآمده است. به سایت این دوسالانه که سر می‌زنید، علامت سوال بزرگی را می‌بینید که در صفحه اصلی نقش بسته است. این علامت سوال، همان چیزی نیست که این روزها در برابر اوضاع آینده هنر این کشور و دیگر کشورهای عرب نقش بسته است؟ آیا انقلاب‌های عربی تاکنون تأثیری روی وضعیت هنر در جهان عرب گذاشته یا آینده هنر این خطه را متاثر خواهد کرد؟ این پرسش اساسی، از بدو دومینوی سقوط سردمداران عرب، به ذهن بسیاری از تحلیلگران هنر منطقه و جهان خطور کرده؛ هر چند پاسخ به این پرسش متفاوت بوده است. از یک نظر، انقلاب‌های عربی در تونس، مصر، لیبی و بحرین زمینه ساز نوعی هنر همگانی با رگ‌های انقلابی شده.

بازنمود آن در عکاسی، نقاشی دیواری و خصوصا هنر گرافیتی قابل ردیابی است. از این بازنمودها که بگذریم، اصولا وقتی صحبت از هنر عرب می‌شود، نام چند کشور بیشتر به ذهن خطور می‌کند: مصر، سوریه، لبنان، مراکش، قطر و فلسطین. هر چند لبنان و سوریه به عنوان خاستگاه هنرمندان مطرحی چون فاتح مدرس، امونول گر یگوسیای و مانند آنها، با پدیده انقلاب‌های عربی روبه‌رو نبوده‌اند، اما قلعلا شرایط فعلی مصر تأثیر خود را بر هنر آینده جهان عرب خواهد گذاشت. در روزهای آغازین ناآرامی هادر مصر موزه ملی قاهره که یکی از غنی‌ترین مجموعه‌های مصر باستان را در خود جای داده با خطر غارت و تخریب مواجه شد. در حالی که مردم مصر برای دستیابی به آزادی مبارزه می‌کردند، نگهبانان موزه مصر شاهکارهایی از گنجینه فرارنه را به سرقت برده و برخی دیگر را تخریب کردندحال این جاست که تظاهر کنندگان در میدان التحرير متوجه سارقین شده و با تشکیل زنجیرهای انسانی محوطه موزه را محافظت کرده و سپس



نیروهای ارتش مصر را باخبر می‌کنند. نهایتا تظاهر کنندگان با پافشاری بسیار، از تاراج و تخریب مجموعه استثنایی مصر باستان جلوگیری کردند.

در عرصه بازار هنر منطقه، وضعیت قدری تفاوت می‌کند. دویسی و ابوظبی، به عنوان دو قطب مهم برپایه حراج‌های کریستیز، ساتنیز و پونامز تااین لحظه از موج انقلاب‌ها به دور بوده‌اند. پیش از آغاز انقلاب‌های عربی نهمین حراج هنر مدرن و معاصر موسسه کریستیز در برج‌های دولقی امارات برپا شد و در این حراج محمود سعید (هنرمند مصری) با پشتیبانی گسترده سرمایه‌داران و بانکداران عرب به رکورد ۲۱۵ میلیون دلاری رسید. نکته مهم در این میان، فروش ۶۶۲هزار دلاری تابلوی محمداحصای بود. به اعتقاد کارشناسان هنر، بازار هنر در خاور میانه رشد می‌کند و تمایلی جهانی به هنرمندان خاورمیانه و خصوصا ایرانی‌ها و عرب‌ها وجود دارد. مجموعه‌داران بزرگی از سراسر جهان خواهان هنر ایران و عرب هستند. هر چند در حراج اخیر کریستیز در دویسی، ایرانی‌ها و مصری‌ها رکورد خوبی به جای گذاشتند و محمود سعید با فروش بالای خود همه را شگفت زده کرد؛ اما به نظر می‌رسد به خاطر تحولات منطقه بازار هنر عرب با افت و لرزش‌هایی مواجه شود.

سرمایه‌داران عرب که حتی زحمت آمدن به برج‌های دولقی امارات را هم به خود نداده بودند، حمایت قاطع خود را از راه دور و از طریق تلفن در قبال هنر عرب به عمل آوردند تا در حراج ۱۲۶کثیر کریستیز، محمود سعید مصری ۲/۵ میلیون دلاری شود. اما معلوم نیست با شرایط جدید آیا آنها همچنان این حمایت‌ها را ادامه خواهند داد یا نه.

شاید اظهار نظر درباره اوضاع دو سه ماه آینده بازار هنر در منطقه از الان زود باشد، اما به طور قطع و یقین، آوریل ۲۰۱۱ که موسم حراج‌های معتبر در منطقه است، روزهایی با اخبار متفاوت از قبل خواهد بود.

تجسمی

گفت‌وگو با دکتر حمید کشمیر شکن به بهانه انتشار سومین شماره مجله «هنر فردا»

صدایی که بتواند همه جاشنیده شود

آرزو جعفریان



در چند دهه گذشته جامعه ما تحولاتی را به خود دیده و از باریکه راه‌هایی عبور کرده و به همین دلایل برای ذهن هنرمند موقعیتی فراهم کرده است که می‌توان آن را فرصتی تکرار نشدنی از موقعیت‌های بشری نامید. چنین شرایطی می‌تواند برای هنرمند ایرانی دستما به خلق آثاری بدیع باشد. کار در آزمایشگاه زندگی، تجربه و ذهن می‌تواند کاری بی‌مانند و یگانه که تاریخ معاصر ایران بستر مناسب آن را فراهم کرده بدید آورد. مجله «هنر فردا» با هدف اصلی معرفی و حمایت هنر معاصر ایران و منطقه خاورمیانه محملی برای پژوهش و مکاشفه بصری، پاسخی به نیاز علمی جامعه هنری در حیطه نقد تخصصی و شناخت عمومی هنر است. با حمید کشمیر شکن سر دبیر مجله «هنر فردا» که در مقام مورخ و منتقد هنر، کتاب‌ها و مقالات متعددی به زبان انگلیسی و فارسی به چاپ رسانده و دکنترای تاریخ هنر از دانشگاه لندن و پست دکنتر از دانشگاه آکسفورد دارد و بورس آکادمی بریتانیا را دریافت کرده است در مورد هنر معاصر ایران و ایده‌های شکل‌گیری مجله «هنر فردا» و موضوعاتی که پیش‌رو دارد، به گفت‌وگو نشستیم.

■ ■ ■

با توجه به انتشار سومین شماره مجله «هنر فردا» و پرداختن به هنر معاصر فرا محلی بودن، در مورد ایده و هدف‌های شکل‌گیری آن توضیح دهید و بگویید مجله شامل چه ابعادی می‌شود؟

ما یکسری ایده‌های بلندپروانه داشته‌ایم که تلاش کردیم به نتیجه برسند. سعی کردیم اهدافمان را حساب شده و دقیق محاسبه کنیم و به گونه‌ای جلو ببریم که تکرار کار گذشتگان محسوب نشود و همان‌طور که می‌دانید در عرصه هنرهای تجسمی کمتر کارهای تحلیلی به این شکل وجود داشته است. به هر حال طی سال‌های متعدد از سال‌های دور گرفته تا سال‌های اخیر، اتفاقات خوبی که گاهی بعضی کوتاهمدت و بعضی بلندمدت بوده در این زمینه رخ داده است. فکر می‌کردیم بیشتر از چیزی که در گذشته اتفاق افتاده هنر معاصر ایران و منطقه ظرفیت این را دارد که به یکسری مسایل بین‌المللی و روز و در عین حال با نگاهی بین‌المللی و گسترده به آن چیزی که در حال وقوع است، بپردازد. هدف اصلی و تأکید ما در مورد هنر دوره معاصر و مدرن این است که کنودگا، جست‌وجو، تحلیل و معرفی کنیم و این هنر را به افراد بشناسانیم.

با توجه به اینکه چارچوب و بحث مورد نظر در مورد رایه مجله «هنر فردا» پرداختن به هنر مدرن و معاصر ایران و منطقه در صحنه هنر بین‌المللی است چیزی که به عنوان هنر معاصر می‌شناسیم جداوی ارتباط از عرصه جهانی نیست. دیگر تلاش ما این است که اهدافمان که اهدافی بلندمدت هست را فقط در عرصه ملی مطرح نکنیم بلکه به نوعی به وسیله تریبونی با صدایی که بتواند همه جا پخش شود به گوش همگان برسایم که از این جهت مجله «هنر فردا» مجله‌ای دو زبانه است که هم زبان فارسی و انگلیسی را پوشش می‌دهد و هم بالاترین استانداردهای ممکن نگارش انگلیسی در آن لحاظ شده است.

این مساله هم برای ما بسیار مهم است که از چه نوع زبانی استفاده کنیم که بتواند با مخاطب ارتباط برقرار کند و همه مخاطبان از دانشجو گرفته تا اساتید هنر، کارشناسان هنری، مجموعه‌دار و گالری‌گردان‌ها را دربرگیرد.

مجله «هنر فردا» چه فرآیندی در انتخاب موضوع دارد و از چه بخش‌هایی تشکیل شده است؟

مجله «هنر فردا» از بخش‌های مختلف تشکیل شده که هر بخش برای خود رسالتی در بردارد و بر اساس رسالت و وظایف آن سازمان‌دهی شده است تا بتواند مخاطبان را به نوعی با خود همراه سازد. در مجله «هنر فردا» تصمیم بر این است که در هر شماره موضوع خاصی دنبال شود که قطعا فرآیند انتخاب موضوع برای ما مهم است. اهمیت دارد که اول از همه مسایلی که در گفتمان‌های هنری معاصر جهانی وجود دارد را مطلع شویم و این گفتمان‌ها را با آن چیزی که در این قسمت از دنیا در حال وقوع است، مرتبط کنیم. از این جهت یکی از راهکارهایی که ما از آن استفاده می‌کنیم کمک گرفتن از نویسندگانی است که طیف وسیعی از این نویسندگان در خارج از ایران زندگی می‌کنند و هر کدام تخصصانی در عرصه فرهنگ و هنر هستند. این موضوع به نوعی بین مخاطبان داخلی و بین‌المللی ارتباط برقرار می‌کند. تبادل بین آن چیزی که در ایران در حال وقوع است از نظر اندیشه بین نویسندگان و کسانی که در حوزه هنر داخل مشغولند و آنان که در خارج از منطقه فعالیت دارند به وجود می‌آید. ما در محتوای بخش‌های مختلف غیر از بخش موضوعی، تلاش‌مان این است که با پرداختن به هنر و رویدادهای مهم منطقه‌ای حتی به نمایشگاه‌های مهم هنرندان ایرانی و نمایشگاه‌ها در نقاط مختلف دنیا اعم از اروپا و آمریکا که توسط نویسندگان تهیه می‌شود نگاه داشته باشیم و کمبودی که در این زمینه بوده را پر کنیم.

نشریه در چه شهرها و کشورهای بخش شده و توزیع آن چگونه بوده است؟

این نشریه غیر از ایران تقریبا در بیشتر قسمت‌های اصلی و مراکز هنری اروپا و آمریکا توزیع شده است. به دلیل مشکلات و کم‌ترجیگی که در این زمینه وجود دارد من ادعای توزیع سیستماتیک و کاملا سازمان‌دهی شده را ندارم اما تلاش می‌کنیم این اتفاق به بهترین حالت ممکن بیفتد. ما توانسته‌ایم مجله را غیر از کشورهای منطقه در امارات متحده عربی، بحرین، عمان، کویت، حوزه‌های دانشگاهی لندن، موزه‌ها و بنیادهای فرهنگی هنری در پاریس و سایر شهرهای فرانسه در ۱۵ مرکز مهم فرهنگی توزیع و پخش کنیم. در ایالات متحده آمریکا هم به غیر از شهر نیویورک در چند مرکز مانند موزه انجمن آسیایی، و دانشگاه نیویورک و ایالات دیگری چون کالیفرنیا پخش شده است. توزیع بیشتر به صورت متمرکز در مراکز دانشگاهی و موزه‌های مهم هنری مدرن و معاصر بوده و کشورهای دیگری چون چین، هند، پاکستان، ترکیه، آلمان و بیشتر شهرهای اروپایی را شامل می‌شود.

ما توانسته‌ایم مجله را غیر از آسیایی را شامل می‌شود، در مورد راه اندازی سایت جامع و کامل برای مجله فکر کرده‌اید؟

بله، ما سایت دوزبانه‌ای داریم که از هشت ماه پیش راه اندازی شده است و با هر شماره مجله «هنر فردا» سایت هم به روز می‌شود و با آمدن شماره بعد، شماره قبل مجله در آرشیو قرار می‌گیرد. این سایت کاملا حرفه‌ای بوده که به زبان انگلیسی و فارسی است و تاکنون هزاران نفر از آن بازدید کرده‌اند.

منابع مالی مجله «هنر فردا» از چه طریقی تأمین می‌شود؟

بخشی از بودجه‌ها از طریق آگهی گرفتن تأمین می‌شود. این مجله به هیچ وجه از کمک دولتی بهره‌برداری نمی‌کند و کاملاً خصوصی است، از این جهت بخشی از درآمدهای مجله با مسایل مالی‌اش توسط آگهی تأمین می‌شود و بخش دیگر هم به وسیله

کسانی است که به نوعی علاقه‌مند به حوزه‌های فرهنگی هنری هستند و به شکل خصوصی کمک و پشتیبانی می‌کنند. فکر می‌کنید قیمت مجله «هنر فردا» برای اقشار مختلف جامعه مناسب است؟ و با توجه به اینکه مجله شامل مسایل هنری روز دنیا می‌شود و اخبار مهمی را پوشش می‌دهد دانش‌جویان تا اندازه‌ای از آن استقبال کرده‌اند؟

بله، مناسب است. اگر بخواهیم به بحث مالی مجله بپردازیم این مجله نسبت به حجم، هزینه و کیفیتش گران نیست و دو سه برابر چیزی است که به خودش اختصاص داده به فروش می‌رسد تا برای همه قابل خریدن باشد. من در وضعیت موجودی که در اطراف می‌بینم فکر نمی‌کنم مجله از لحاظ اقتصادی هزینه بالایی حتی برای دانشجویان داشته باشد. ما سعی کرده‌ایم به مسایل روز بپردازیم؛ مسایلی که کمتر در دانشگاه‌ها مورد بحث و گفت‌وگو قرار می‌گیرد و تولید اندیشه

و ذهنیت‌نوبرای پایان‌نامه‌ها به خصوص در مقطع کارشناسی ارشد و دکنتر آکنیم. از این جهت من فکر می‌کنم بخش آموزشی آن بسیار اهمیت می‌یابد و به طور یقین می‌توانم بگویم برای دانشجویان بسیار تأثیرگذار بوده است و تا جایی که دایم مورد استقبال زیاد دانشجویان قرار گرفته‌ایم.

آیا مطالبی که در مجله استفاده می‌شود اولویت‌بندی دارد و در آن چه فاکتورهایی اهمیت بیشتری دارد؟

اولویت‌بندی مطالب فصلنامه و امکان پوشش دادن همه اتفاقات هنرهای تجسمی با توجه به رشد چشمگیر هنرهای تجسمی در سال‌های اخیر، غیرممکن است و مجبور به انتخاب کردن هستیم. البته از شماره سوم این فصلنامه ضمیمه‌ای نیز به آن اضافه شده است که بخش دیگری از نمایشگاه‌ها را پوشش می‌دهد. در جلسات هفتگی تمامی نمایشگاه‌های مختلف هنرهای تجسمی مورد بحث و بررسی می‌رزیابی قرار می‌گیرد و از بیسن آنها چند نمایشگاه انتخاب می‌شود بنابراین ویژگی آثار، اهمیت نمایشگاه، خود هنرمند و داشتن یک نمایشگاه گردان از جمله فاکتورهایی است که در انتخاب‌های ما تأثیرگذار است.

اساس انتخاب هنرمند در بخش «پرونده یک هنرمند» در مجله «هنر فردا» چیست و ممکن است به هنرمندان خارجی هم اختصاص یابد؟

بله، اگر مقید به تعاریف و اهداف نشریه باشیم، در یک مرحله باید به هنرمندان موفق منطقه نیز در بخش «پرونده» بپردازیم. هر چند هدف اصلی ما ترویج، معرفی و تئوریزه کردن هنر این است اما این چتر را

درست نکرده‌ایم که تنها به هنر ایران بپردازیم. شماره‌های نخست این پرونده به هنرمندان تثبیت‌شده در کار خود اختصاص دارد و کسانی را در بر می‌گیرد که به نوعی از نظر سنی بالاتر هستند و در عین حال در حوزه هنر مدرن فعالیت می‌کنند. ما در این بخش نقش این افراد در تحول ایران، هنر و اندیشه‌هایی را که در این عرصه

ایفا کرده‌اند، از زیبایی می‌کنیم بنابراین، این پرونده صرفا معرفی نیست بلکه تجزیه و تحلیل هنرمندو آثارش است. در یک بخش دیگر نیز به دو هنرمند می‌پردازیم که بیشتر هدف‌مان در این حوزه معرفی و شناخت هنرمندان جوان تر یا به اصطلاح مجله هنرمندان «نوخاسته» است که حرفه‌ای هستند اما هنوز در حال ظهور هستند و می‌توانند در آینده برای هنر منطقه یا کشورشان تأثیرگذار باشند.

این طور که معلوم است یکی از دغدغه‌های مجله «هنر فردا»، هنر معاصر و حتی هنر مدرن ایران است. با توجه به اینکه هنر معاصر گفتمان مطرح در رسانه‌های ما نیست و پرفورمنس‌ها در مطبوعات انعکاسی ندارد و هنوز دیجیتال آرت زمینه مناسبی برای آرایه ندارد تحلیل شما در سالی که گذشت از وضعیت هنر معاصر ایران در منطقه چیست؟

اگرچه هنر معاصر ایران عمری بیش از یک دهه ندارد

اما در این مدت کوتاه توانسته است به سرعت اتفاقات بسیاری را تجربه کند و خیلی خوب توانست خود را در منطقه و دنیا تثبیت کند و خبر ساز باشد، البته در بخش اقتصادی هم رشد بسیار خوبی را داشته است که این رشد اقتصادی در هنر معاصر علاوه بر محاسن بسیار زیادی که دارد، گاهی تهدیدهایی هم داشته است. همچنین جوان بودن جامعه ایرانی که خواستار به روز بودن و حرکت کردن همراه با روح زمان است از جمله مولفه‌های هنر معاصر ایران است. استفاده از رسانه روز و اندیشه‌های روز سیر پرسرعی را در هنر معاصر ایران به وجود آورده و بستر اجتماعی ایران نیز بر این سرعت افزوده است تا ذهنیت‌های هنرمندان جوان در این بستر تبدیل به آثار کم‌نظیر شود. هنر معاصر ایران در مقایسه با هنر کشورهای منطقه خلیج فارس، معاصر تر است. هنر معاصر ایران توانسته است به سرعت از هم‌طرازان خود در منطقه پیشی بگیرد و امروز هنرمندان ایرانی از فرصتی که برای معرفی آثارشان در دیگر کشورهای جهان فراهم شده است استفاده می‌کنند و اکنون هنر ایران توانسته پس از سال‌ها از انزو خارج شود و توجه مراکز مهم فرهنگی و هنری دنیا را به خود جلب کند. اگر نمونه‌هایی از هنر معاصر ایران در گالری‌ها، نمایشگاه‌ها، موزه‌ها و بحث‌هایی که در حوزه دانشگاهی صورت می‌گیرد را بررسی کنیم سرعت رشد آن قابل لمس است. جذایت‌هایی که در فضاهای سیاسی و اجتماعی ایران وجود دارد نوعی توجهات خاصی در منطقه ایجاد می‌کند تا به تولیدات فرهنگی هنری کشور در خارج مرزها توجه شود.

یکی از مدخل‌های ورودی بخش هنر معاصر، هنر جدید است، چه مشکلاتی بر سر راه آن می‌بینید؟

هنر جدید در ایران هم در مقایسه با سایر هنرهای تجسمی مشکلات بیشتری دارد، حتی از نظر محل آرایه آثار دچار مشکل است. البته هنرمندان راه‌گریز از این مشکل را در برگزاری نمایشگاه‌های خارجی دیدند تا بتوانند زمینه لازم برای نشان دادن آثار خود را فراهم کنند و موفقیت‌آمیز هم بود به طوری که اخیرا موزه تیت لندن چندین اثر هنر جدید را از هنرمندان ایرانی خریداری کرده است. با مقایسه نحوه حمایت از هنر جدید در ایران با سایر کشورهای دنیا، هنرهای جدید در غرب نیز در بودجه‌های عمومی و از سوی نهادهای عمومی مورد حمایت قرار می‌گیرد. البته خوشبختانه در ایران نگارخانه‌داری در حال نهادینه شدن است و چرخه بهره‌برداری و عرضه آثار هنری در حال شکل‌گیری است که روند استقلال اقتصادی هنرهای تجسمی را تسریع می‌کند و می‌توان امیدوار بود که در آینده هنر جدید نیز مورد حمایت‌های خصوصی قرار بگیرد و امکان عرضه را پیدا کند. توجیه اقتصادی آثار هنر جدید از جمله چیدمان این است که خریداران این گونه آثاری می‌توانند از حق کپی رایت و حقوق معنوی یک اثر استفاده کنند و با تکرار این اثر در اماکن مختلف بهره‌برداری اقتصادی کنند. من تلاش بخشی از گالری‌ها برای ادامه حیات هنرمندان این حوزه را اיתار می‌دانم. از نظر من بخشی از فعالیت یک گالری به بازگشت اقتصادی خلاصه می‌شود بنابراین آن دسته از گالری‌هایی که اختصاصا در این حوزه تمرکز کرده‌اند تلاش‌شان قابل تقدیر است.

تناولی مجسمه‌اش را به موزه مترو پولیتن اهدا کرد

این مجسمه‌ساز این است که همه آثارش از دورکن بسیار اساسی فرهنگ ایرانی اسلامی، یعنی ادبیات و معماری الهام می‌گیرند. تناولی در سوم فروردین ماه سال ۱۳۱۶ در تهران و در محله دروازه شمیران در یک خانواده متوسط به دنیا آمد. وی از سنین ده تا یازده سالگی فعالیت هنری خود را با نوازندگی ویولن زیر نظر استادانی چون نیک نواز و ابوالحسن صبا آغاز کرد. تناولی تحصیلاتش را در دبیرستان ادیب ادامه داد. هنگام تعطیلی دبیرستان به هنرستان کمال‌الملک می‌رفت. در سال ۱۳۲۲ هنرستان هنرهای زیبا در تهران تأسیس شد و او در رشته مجسمه‌سازی نام‌نویسی کرد. وی پس از گذراندن دوره سه‌ساله مجسمه‌سازی در هنرستان هنرهای زیبا در سال ۱۳۳۵ به ایتالیا رفت و در آکادمی هنرهای زیبای شهر کارا مشغول به تحصیل شد. بعد از دو سال مقدار پولی که وی از طریق تدریس موسیقی و کمک‌های مالی خانواده‌اش پس‌انداز کرده بود، تمام شد و در سال ۱۳۳۶ مجبور شد به ایران بازگردد.

پرفورمنس

به بهانه برپایی نمایشگاه اخیر امیر معبد در گالری طراحان آزاد

پیش‌انسان در پلاستیک

علیرضا امیرحاجی

■ اخیرا گالری طراحان آزاد میزبان یک اثر اجرایی از امیر معبد هنرمند مفهومی بود. چند ماه پیش نیز همین گالری اثر دیگری از وی را به نمایش گذاشته بود که شباهت‌هایی به پرفورمنس کریس باردن تحت عنوان شلیک (Shoot) داشت البته با تفاوت‌هایی از جمله مشارکت مستقیم مخاطب در کنش شلیک با یک تفنگ بادی. این نکته حائز اهمیتی در اثر قبلی معبد بود که باعث واکنش‌های مختلفی از طرف تماشاگران شد. «امر خشن» و نفس‌کرکنی خشونت‌آمیز یعنی شلیک مستقیم به هنرمند نه تنها به لحاظ فکری بلکه از نظر روانی مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌داد. در چنین کنشی هنرمند از هیچ‌گونه واسطه‌ای برای انتقال وضعیت خشونت‌آمیز و مفهوم آن بهره‌نمی‌گیرد تنها اوست و مخاطبی که درست روی روی او ایستاده و شلیک می‌کند. بدن وی واسطه انتقال نیست بلکه زمینی است که مخاطب به بازی در آن دعوت می‌کند؛ بازی خشنی که تا اعماق وجود مخاطب نفوذ می‌کند. این نوازشی بود که امیر معبد همگان را به آن دعوت کرد. برخی نوازشش کردند و برخی سلاح را به کنتری گذاشتند تا نشان دهند از وضعیت خشونت‌آمیز خسته یا بیزار هستند.

در پرفورمنس «بیا نواز شو من کن» ایشار هنرمند به وضوح قابل مشاهده است که تاکنون در ایران نمونه‌ای از آن دیده نشده که باعث خوشحالی است ولی پرفورمنس امیر معبد یک استثناست و گمان نمی‌رود بار دیگر تکرار شود.

اثر اجرایی جدیدی با عنوان «حراج پنجاه درد» لایه دیگری از یک ذهن درگیر با مفهوم را به نمایش می‌گذارد. هنرمند محبوس در پلاستیک کیسه‌ای غیرشفاف که کمی مخاطب را به یاد آثار کریستو هنرمند فرانسوی می‌اندازد؛ هنرمندی که به شکلی تخصصی به بسته‌بندی کردن اژه‌ها (چه اشیاء و چه ساختمان‌ها و زمین) می‌پرداخت. اما معبد کشور را در ایده خود محبوس می‌کند تا فشار کمبود اکسیدن قلعان ارتباط با مخاطب و در مجموعه رنج را تجربه و از طرف دیگر بازنمایی کند. در این اثر اجرایی لایه‌های اجتماعی-فردی فلسفی و روانکاوانه وضعیت بشری قابل خوانش است.

البته شاید معبد به هیچ‌کدام از آرایه‌های فوق‌الذکر توجه نداشته باشد و خط‌مشی شخصی‌ای از آرایه داده‌ها همین سرگردانی در خوانش و تفسیر اثر نوعی هیجان زودرس را به مخاطب انتقال می‌دهد و این پرسش مطرح می‌شود که هنرمند به دنبال آرایه چه مفهومی است؟ و به نقد چه می‌پردازد؟ سرکوب روحی و روانی بشر توسط این پرسش‌ها چه پاسخ داده‌شود و چه نه، کنش‌های هنر مفهومی به راه خود ادامه می‌دهند و زیبایی و حرکت‌های متعارف



را به چالش می‌کشند. هنر اجرایی با نوعی هراس همراه است. هراسی چندجانبه که هم هنرمند را در بر می‌گیرد هم میزبان هنرمند و هم مخاطبان را. هراس و دغدغه‌هایی که کنشک، ایده‌ها، کنش‌ها و واکنش‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

هنرمندی مانند معبد نماینده گروه خاصی از توده‌های خاموش نیست او هنرمندان مشابه او سخنگویان بشر هراسناک در موقعیت خویش هستند که با چنگ و دندان، با تمام توان تلاش می‌کنند چیزی نادیدنی را دیدنی کنند. چیزی که هر روز با روح و روان یکایک انسان‌ها روی زمین خاکی در اصطکاک است. موقعیت مدرن برخورد بین انسان با خود، انسان را تکنولوژی و انسان با تصویر خود و طبیعت را تشدید می‌کند. این برخورد چندلایه در حوزه هنر بارقه‌هایی را به عنوان هنر مفهومی و اجرایی (Performance) پدید آورده. چیزی که هر روز با رقه چون آنچنان که باید به‌مثابه یک هنر تأثیرگذار نتوانسته در زمینه ارتباط با مخاطب موفق عمل کند. این نقصان تنها مربوط به ایران نیست. هنر مفهومی – اجرایی تضادهایی را در بطن خود حمل می‌کند که باعث عدم ارتباط کامل با مخاطبان می‌شود.

در هر حال هنر مفهومی با شدت ضعف با نوسان‌های متعدد به راه خود ادامه می‌دهد اما نکته مهم این است که هنرمندان این حوزه به هیچ روی نباید در صدد توضیح و توجیه آثار خود باشند. روند هنر معاصر به خصوص هنر مفهومی تاکنون بیش از توجیه‌پذیر کردن کنش‌ها و آثار خود، خلا‌ها و کمبودها و ایده‌های متنوعی را به جریان انداخته است. حال اگر مخاطبان در این ریزش آب به دنبال روان‌خانه حرکت کنند، می‌توانند ذهن و روح خود را در کنش‌های مفهومی بلاشش دهند. این دیگر نه وظیفه هنرمندان است و نه منتقدان. حالا که مجالسی برای هنرمندان مفهومی در ایران پیدا شده و برخی از صاحبان گالری را روی گشاده به میزبانی انسان اقدام کردند و هراس‌های اقتصادی در این زمینه کمتر شده، مخاطبان و منتقدان نیز می‌توانند با کمی خرج کردن حوصله و در نیام گذاشتن شمشیر نقدای یکجانبه به روند و ریتم آثار هنر مفهومی یاری رسانند.